

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

در جلسه گذشته، مبنای مختار در اعتبار سنجی روایانی که مورد وثاقت و جرح قرار نگرفتند بیان شد، در این مبنا بیان می‌شود که اگر روایات این راوی توسط یک راوی جلیل القدر بیان شده باشد در این صورت این به مقتضای اصاله العداله این روای توثیق می‌شود، ادله این مبنا بناء عقلا، استصحاب عدم احراز فسق و ظاهر حال است.

در ادامه استدلال دیگری توسط مرحوم حائری در مورد استناد به روایات صلاة العیدین مطرح شد، در روایت سماعه، امام صادق (علیه السلام) تصریح می‌فرمایند که نماز عید تنها با «امام» مشروعیت دارد و بدون امام منعقد نمی‌شود، و این ظهور در اختصاص اقامه نماز عید به امام معصوم دارد. مرحوم آیت‌الله حائری با ضمیمه روایاتی که نماز جمعه را «عید» معرفی کرده‌اند، نتیجه می‌گیرند که همان‌گونه که نماز عیدین مختص امام معصوم است، نماز جمعه نیز از همین حیث در همان چارچوب قرار می‌گیرد.

وی در ادامه دو اشکال به استدلال به این روایت مطرح می‌کند، مرحوم حائری قیاس اشتراط نماز جمعه به امام معصوم با نماز عید را محل تأمل دانسته و «عدم امام» در روایت سماعه را ناظر به نبود حاکم وقت می‌داند، نه فقدان امام معصوم. ایشان همچنین احتمال می‌دهند که تعبیر «لا صلاة إلا مع إمام» از باب تقیه و برای جلوگیری از مفسده اجتماعی صادر شده باشد، نه در مقام بیان حکم واقعی اولیه.

اما این اشکالات مرحوم حائری پاسخ داد شد ولی اشکال اساسی به استدلال به این روایت این است که تعمیم حکم نماز عید به نماز جمعه از باب قیاس صورت گرفته و این قیاس برای اثبات شمول حکم به نماز جمعه فاقد اطمینان لازم است.

اشکال دوم مرحوم حائری به استدلال

اشکال اول مرحوم حائری مبتنی بر احتمال تقیه است، اما اینگونه پاسخ دادیم که تقیه - اگر هم باشد - در صغری است و در کبری روایت یعنی «لا صلاة إلا مع إمام» تقیه راه ندارد.

مرحوم آیت‌الله حائری در اشکال دوم و سوم خود، نکته‌ای بسیار دقیق و قابل توجه را مطرح می‌کنند، مقصود ایشان آن است که از این‌گونه روایات، تنزیل نماز جمعه به منزله نماز عید در همه آثار و احکام شرعی استفاده نمی‌شود؛ زیرا این تعبیر اساساً در مقام بیان یک قاعده عام برای ترتب جمیع آثار نیست. بنابراین، اگر گفته شود امام (علیه السلام) با تعبیر «الْجُمُعَةُ عِيدٌ» در صدد جعل قاعده‌ای کلی بوده و جمعه را نازل منزله عید قرار داده است، لازمه‌اش آن خواهد بود که همه آثار مترتب بر نماز عید قربان - از جمله لزوم اقامه آن به دست امام معصوم - در نماز جمعه نیز جریان یابد. این نتیجه تنها در صورتی صحیح است که تعبیر «الْجُمُعَةُ عِيدٌ» ناظر به تنزیل تام و فراگیر باشد، در حالی که مرحوم حائری چنین ظهوری را نمی‌پذیرند.

به نظر ایشان، مقصود از تعبیر «عید» در روایاتی مانند «الْجُمُعَةُ عِيدٌ» یا «هُوَ عِيدٌ لِلْمُسْلِمِينَ» آن است که روز جمعه از حیث حکمت‌ها، مصالح و ملاکات تشریع، در مرتبه‌ای نزدیک به عید قرار دارد؛ یعنی همان مصالحی که موجب تشریع نماز عید قربان شده، در نماز جمعه نیز لحاظ شده است. اما این بدان معنا نیست که عیدیت جمعه به‌عنوان یک عنوان مجعول شرعی، با همه آثار و احکامش جعل شده باشد. به تعبیر دیگر، شارع در این روایات صرفاً به ملاحظه و لحاظ مصالح پرداخته، نه به جعل عیدیت در جمیع آثار.

از این رو، حتی اگر روز جمعه از جهت ملاکات و مصالح، هم‌سنگ یا حتی برتر از عید قربان باشد، هیچ ملازمه‌ای وجود ندارد که همه آثار شرعی مترتب بر عید قربان، عیناً در روز جمعه نیز جاری شود. همین تفکیک میان «اشتراک در ملاکات» و «اشتراک در آثار مجعول» نکته دقیقی است که به‌گمان مرحوم حائری، شایسته تأمل ویژه بوده و شاید اشاره ایشان به تعبیر «فَأَفْهَمَ فَإِنَّهُ دَقِيقٌ نَافِعٌ» ناظر به همین دقت اصولی باشد.[1]

تأیید اشکال دوم مرحوم حائری

بر پایه این تحلیل، وقتی در روایات آمده است «الْجُمُعَةُ عِيدٌ»، مقصود آن نیست که تمام آثار شرعی مترتب بر عید فطر و قربان، عیناً برای روز جمعه نیز جعل شده باشد. بلکه شارع صرف نظر از مقام تشریع، با لحاظ این‌که ملاکات و مصالح عیدیت در روز جمعه وجود دارد، چنین تعبیری را به‌کار برده است، بدون آن‌که در مقام جعل همه آثار باشد. از این رو، نمی‌توان از این تعبیر، اشتراک کامل جمعه با عیدین را در تمام احکام استنباط کرد.

شاهد فقهی بر عدم تنزیل در جمیع آثار

به‌عنوان شاهد، اگر «الجمعة عید» به معنای تنزیل تام در همه آثار بود، لازم می‌آمد که احکام اختصاصی عیدین، مانند زمان خاص نماز یا تقدّم و تأخّر خطبه‌ها، در نماز جمعه نیز جاری شود؛ حال آن‌که هیچ فقهی به چنین التزامی قائل نشده است. این امر مؤید آن است که تعبیر یادشده، در مقام جعل آثار نیست، بلکه ناظر به بیان عظمت و ملاکات است.

تمایز میان بیان ملاکات و جعل آثار شرعی (نمونه روایت والدین)

در روایتی مشهور، شخصی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله پرسید در میان پدر و مادر، به کدام یک نیکی کند. پیامبر در سه مرتبه پاسخ دادند: «به مادر»، و در مرتبه چهارم فرمودند: «به پدر».[2] پرسش این است که آیا فقیه می‌تواند از این روایت استفاده کند که حقوق شرعی مادر بیش از پدر است، یا مثلاً در مواردی که استیذان از والدین لازم است، باید ابتدا از مادر اجازه گرفت؟ پاسخ منفی است؛ زیرا هرچند ملاکات و مصالح برّ به مادر قوی‌تر و پررنگ‌تر از پدر است، اما این روایت در مقام جعل آثار فقهی و حقوقی نیست. از این رو، استنتاج‌هایی نظیر «سه‌برابر بودن حق مادر» استظهار غیر دقیقی است که در استنباط فقهی تأثیری ندارد.

مقایسه با روایت «الطواف بالبيت صلاة»

در مقابل، روایت «الطَّوْفُ بِالْبَيْتِ صَلَاةٌ»[3] ظهور در تنزیل عام دارد و اقتضای ترتب آثار متعددی از صلاة از جمله اعتبار طهارت بر طواف را می‌کند؛ با این حال، همین تنزیل عام نیز به‌واسطه ادله دیگر مقید می‌شود؛ به‌گونه‌ای که برخی آثار، مانند جواز خوردن یا خندیدن در طواف، از شمول تنزیل خارج شده‌اند.

تطبیق قاعده بر روایات «الجمعة عید»

بر اساس این تحلیل، روایاتی که روز جمعه را «عید» معرفی می‌کنند، در مقام بیان عظمت و جایگاه ویژه روز جمعه‌اند، نه در مقام ترتیب همه آثار شرعی مترتب بر عید فطر و قربان. چه‌بسا عظمت و ملاکات روز جمعه حتی از عید فطر و قربان نیز بیشتر باشد، اما این امر مستلزم آن نیست که تمام آثار فقهی آن اعیاد، عیناً بر جمعه مترتب گردد.

بر این اساس، اشکال دوم مرحوم آیت‌الله حائری اشکالی متین و قابل قبول است؛ زیرا از تعبیر «الجمعة عید» نمی‌توان استفاده کرد که شارع در مقام جعل آثار شرعی عید برای نماز جمعه است، بلکه صرفاً در مقام بیان عظمت و اهمیت این روز می‌باشد.

اشکال سوم: نفی تنزیل نماز جمعه به منزله عیدین در تمام آثار

اشکال سوم که بر اشکال دوم مترتب است، ناظر به این نکته است که مفاد روایات ناظر به عید بودن جمعه، ظهور در تنزیل نماز جمعه به منزله نماز عید فطر و قربان در تمام آثار ندارد. مرحوم آیت‌الله حائری تصریح می‌کنند: «لَيْسَ مِثْلُ الْخَبَرِ الْمَذْكُورِ ظَاهِرًا فِي تَنْزِيلِ الْجُمُعَةِ مَنْزِلَةَ الْعِيدَيْنِ، بَلِ الظَّاهِرُ أَنَّهُ أَحَدُ الْأَعْيَادِ»؛ ظاهر این روایات آن است که روز جمعه صرفاً یکی از اعیاد به شمار می‌آید، نه اینکه از حیث همه آثار شرعی، نازل منزله عید قربان و عید فطر باشد. [4]

ثبوت آثار مطلق عید، نه خصوصیات عیدین

بر این اساس، وقتی گفته می‌شود «الْجُمُعَةُ عِيدٌ»، تنها آثاری که برای «مطلق عید» ثابت است - مانند اعمال خاص، فضیلت، ثواب، اطعام و امثال آن - بر روز جمعه مترتب می‌شود، نه ویژگی‌های اختصاصی نماز عید قربان و فطر. بنابراین، از این تعبیر نمی‌توان لزوم سرایت احکامی مانند اشتراط امام معصوم در نماز عیدین را به نماز جمعه استفاده کرد.

بنابراین تأکید می‌شود که تنزیل جمعه به عید، صرفاً در مقام بیان وجود ملاکات و مصالح مشترک است، نه در مقام جعل آثار شرعی. حتی اگر در روایات آمده باشد که جمعه «أَفْضَلُ» از عید فطر و قربان است، این افضلیت به قوت ملاکات و مصالح بازمی‌گردد، نه به لزوم ترتب همه آثار شرعی عیدین بر نماز جمعه. از این رو، نمی‌توان از افضلیت یا اشتراک در ملاکات نتیجه گرفت که تمام احکام خاص نماز عید قربان، از جمله اشتراط امام معصوم، عیناً در نماز جمعه نیز ثابت باشد.

تایید اشکال سوم

این اشکال سوم مرحوم حائری که به نوعی تایید همان اشکال دوم است مورد پذیرش است، نتیجه آنکه وجود ملاکات مشترک، هرچند قوی‌تر، ملازمه‌ای با سرایت همه آثار مجعولات شرعی ندارد و از تعبیر «الْجُمُعَةُ عِيدٌ» نمی‌توان اشتراط امام معصوم در نماز جمعه را به قیاس نماز عیدین اثبات کرد.

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

[1] «و ثانيا: لا يستفاد من مثل خبر العلل المتقدم تنزيل الجمعة منزلة العيد في جميع الآثار، لأنه ليس في مقام بيان ضرب القاعدة و إلقتها إلى المتكلم على الظاهر، بل المنساق كونها بمنزلة العيد أو كونها عيدا في مقام التشريع و ملاحظة الحكم و المصالح، فاللحاظ المذكور إنما هو في مقام مراعاة المصالح عند الجعل و التشريع، لا أن المجعول الشرعي هو الحكم بالعيدية ف جميع الآثار، فكونها عيدا حقيقة أو تنزيلا ملحوظ قبل التشريع، و ليس ذلك موردا للتشريع و الجعل حتى كون متبعا عند المكلفين. فافهم فإنه دقيق نافع.» (صلاة الجمعة (حائري)، ص 107).

[2] «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَكْرَمُ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ أُمُّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ أُمُّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ أَبَاكَ.» (الكافي (اسلاميه)، ج 2، ص 159).

[3] «عَوَالِي اللَّائِلِي، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: الطَّوَافُ بِالْبَيْتِ صَلَاةٌ إِلَّا أَنَّ اللَّهَ أَحَلَّ فِيهِ النُّطْقَ.» (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج 9، ص 410).

[4] «و ثالثا: ليس مثل الخبر المذكور ظاهرا في تنزيل الجمعة منزلة العيدين، بل لعل الظاهر أنه أحد الأعياد، فلا يدل على إسراء حكم العيد الخاص من الفطر أو الأضحى، بل يثبت لها - مع قطع النظر عما تقدم - ما ثبت لمطلق العيد، لا لخصوص فرد من العيد أو فردين منه.» (صلاة الجمعة (حائري)، ص 107).

منابع

- حائري، مرتضى، صلاة الجمعة (حائري)، قم - ايران، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي، 1418.
- كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى (اسلاميه)، تهران، دار الكتب الإسلامية، 1363.
- نورى، حسين بن محمد تقى، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، 1408.